کانون مطالعات وپژوهشهای خراسان درلندن

موضوع: چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان

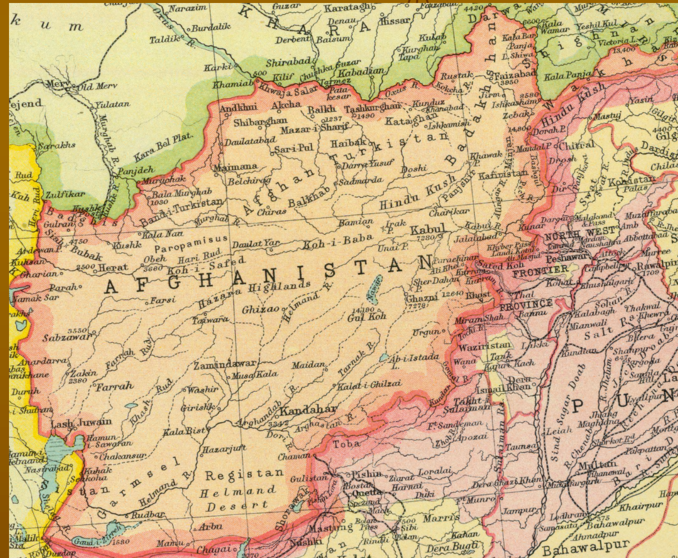
سخنران: پروفیسوردکتورلعل زاد

محل: مدرسه مطالعات شرقی وافریقائی دانشگاه لندن - SOAS

تاریخ: 30 نومبر 2008

تماس: infoksrc@gmail.com

چگونگی ایجاد کشوری بنام افغان ستان



پروفیسوردکتورلعل زاد

لندن – نومبر 2008

عناوین

* پیشگفتار
* موضوع پژوهش (اهداف اصلی)
* میتود پژوهش
  * منابع جغرافیائی (16 نقشه قدیمی)
  * منابع تاریخی (33 اثرفوق العاده مهم
  * معاهدات وقراردادها (13 سند مهم ونمونه)
* نتیجه گیری

منابع تاریخی:

1. حدود العالم – 982 م •
2. شهنامه فردوسی – 1008 م
3. التفهیم بیرونی – 1029 م
4. تحقیق ماللهند – 1030 م
5. الصیدنة فی الطب – 1030 م
6. تاریخ یمینی – 1036 م
7. تاریخ گردیزی – 1050 م
8. تاریخ سیستان – 1054 م
9. تاریخ بیهقی – 1080 م
10. فارسنامه ابن بلخی – 1119 م
11. مجمل التواریخ – 1126 •
12. فضایل بلخ – 1219 م
13. تاریخ جهانگشای جوینی – 1260 م
14. طبقات ناصری – 1260 م
15. تاریخنامه هرات – 1321 م
16. سفرنامه ابن بطوطه – 1354 م
17. تاریخ فیروزشاهی – 1388 م
18. زبدة التواریخ – 1426 م •
19. مطلع سعدین و – 1452 م
20. روضات الجنات – 1491 م
21. روضة الصفا – 1498 م
22. تاریخ حبیب السیر – 1523 م
23. بابرنامه – 1530 م
24. اکبرنامه – 1602 م
25. تاریخ فرشته – 1623 م
26. جهانگشای نادری – 1747 م
27. تاریخ احمدشاهی – 1773 م
28. سفرنامه جورج فاستر – 1798 م
29. گزارش سلطنت کابل – 1815 م
30. بستان السیاحه – 1820 م
31. نژادهای افغانستان – 1880 م
32. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی – 1905 م
33. ساختاراقتصادی افغانستان - 1950؟

پیشگفتار



1. موضوعات داغ و جنجال (حساسیت) برانگیز:

* واژه های افغان و افغانستانی ...
* زبان فارسی یا دری ...
* دانشگاه یا پوهنتون ...
* وحدت ملی ...
* مصطلاحات ملی و ...

راه حلها:

* خاموشی ...
* روشنگری، بسیج و مقاومت ...
  * برخورد علمی واکادمیک ...
  * برخورد متعصابه و قبیله گرایانه ...
* نقش دولت، مردم، سیاستمداران و ...
  * ادامه مناسبات کهنه دیروزی: دوام فرهنگ زور، تحمیل وادامه خونریزی ...
  * آغازمناسبات جدید امروزی: ایجاد شرایط لازم نظری (...) وعملی (...)

2. ضروریات اولیهٔ انسانی:

* خود شناسی (بحث هویت وشخصیت) ...
* ما کیستیم و اینجا کجاست؟

3. تعداد زیادی بدین باوراند که افغانستان (افکارعامه):

* یک نام **تاریخی** بوده ودرزمان احمد شاه ابدالی (میرویس هوتکی چرا نه؟) بحیث نام رسمی **کشور** قبول شده است (غلط مشهور: آریانا - خراسان - افغانستان) ...

* افغانستان {پاکستان} درمسیرتاریخ ؟
* افغانستان {پاکستان} درپنج قرن اخیر؟
* افغانستان {پاکستان} درزمان آریائی ها ؟
* تاریخ پنجهزارساله و{پاکستان؟} ...

* یک نام پرافتخار است ...

4. درنظرداشت مفاهیم ومقولات:

* تفاوت نامها وساحهٔ امروزی شهرها و ولایات با ساحه آنها در دیروز:

  * افغانستان (یا کابل و...) بحیث نام یک منطقه، ولایت یا کشور ...
  * احمدشاه (یا شاه شجاع و...) بحیث شاه افغان یا افغانستان (یا کابل) ...

* تاریخ امروز – قلمروحاکمیت **کشورها و دولت ها** بربنیاد(سرزمین):

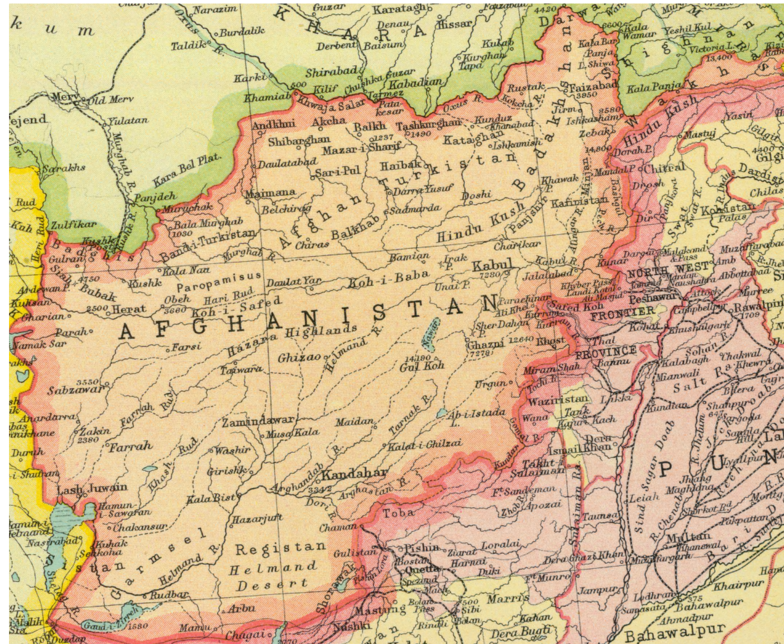
  * مرزهای معین
  * ارگانهای سیاسی قدرت (مقننه، اجرائیه و قضائیه)
  * حاکمیت برقلمرو

* تاریخ دیروز – قلمروحاکمیت **افراد وخانواده ها** (تیموریان،غزنویان،سامانیان و...) بربنیاد(بیعت مردم):

  * خطبه
  * سکه
  * جزیه

5. درحالیکه افغانستان امروزی (ازنگاه تاریخی وجغرافیائی):

* ساحه یا قلمروی است که توسط انگلیس و روس بحیث یک "دولت حایل" ساخته شده است ...
* درزمان عبدالرحمن (1893م) عمدتا جغرافیای آن شکل گرفته است (ایجاد مرزهای معین) ...
* درزمان امان الله (1919م) استقلال خود را حاصل نموده است (ایجاد کشورمستقل) ...



* قبل از 1893م، "کشوری" باین نام (درتاریخ) وباین شکل (درجغرافیه) وجود ندارد:

قبل از 1893م، ما تاریخ "افراد و خانواده ها" (افغانان، صفویها، شیبانیها، مغولها، تیموریان، غزنویان، سامانیان و...) را با قلمروهای متفاوت داریم که امروز"تاریخ مشترک تمام کشورهای همسایه" بوده وقسمتی ازافغانستان امروزی، گوشهٔ ازقلمروی آنها بوده است ...

اهداف اصلی





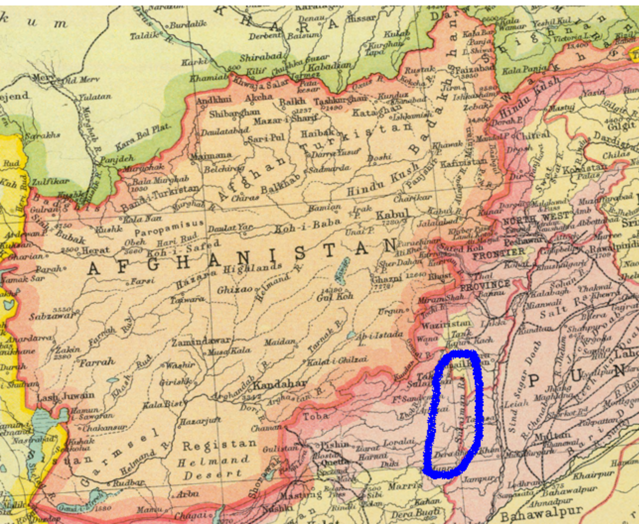
میخواهیم نشان دهیم که:

* افغان یا اوغان با سابقهٔ 1000 ساله نام قوم یا منطقهٔ در اطراف کوههای سلیمان درپاکستان امروزی بوده است ...

* افغانستان یا اوغانستان **بحیث یک منطقه جغرافیائی** با سابقه 700 ساله **ولایتی** بوده است در **اطراف کوههای سلیمان** (منطقهٔ اصلی افغانها) در **پاکستان امروزی** ...

* افغانستان **بحیث یک کشور**درزمان **عبدالرحمن – امان الله** بوجود آمده است ...

* قبل از1893م، **کشوری** باین نام (درتاریخ) وباین شکل (درجغرافیه) وجود ندارد (تاریخ افراد و خانواده ها با قلمروهای متفاوت که امروز مربوط همهٔ کشورهای همسایه است) ...



* افغان نام افتخارآمیزی نیست (دراوراق تاریخ به صفات بد و زشتی یاد شده است) ...

منابع جغرافیائی



نقشه های جغرافیائی نشان میدهند که:

* مناطقی بنام "پتان"، "اغوان" و "اوغان" درنقشه های سالهای 1600 – 1724 م دراطراف کوههای سلیمان درهند دیروزی قراردارند ...

* همین مناطق (اطراف کوههای سلیمان) درنقشه های سالهای 1751 – 1799 م بنام "اغوانستان" یاد شده اند ...

* نام افغانستان درنقشه های سالهای 1815 – 1855م بساحۀ بزرگتری درجنوب مملکتی بنام "کابل" نشان داده شده است ...

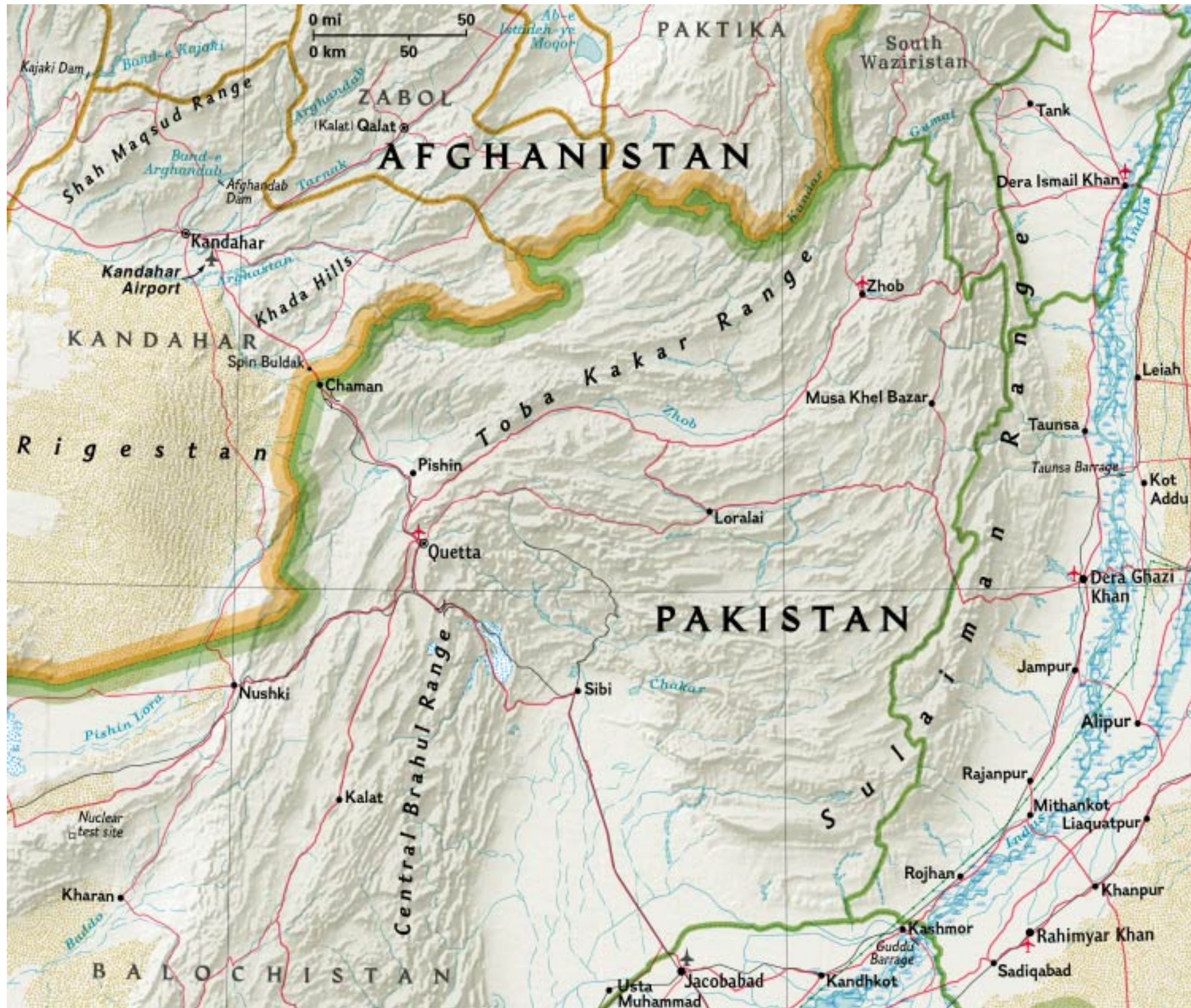
* نام افغانستان درنقشه های سالهای 1860م جانشین کابل شده که شمال هندوکش شامل آن نیست ...

* این نام درنقشه های پس از1893م (ایجاد مرزهای مشخص) شامل تمام قلمروی افغانستان امروزی شده است ...

نقشه 1 جغرافیای منطقه



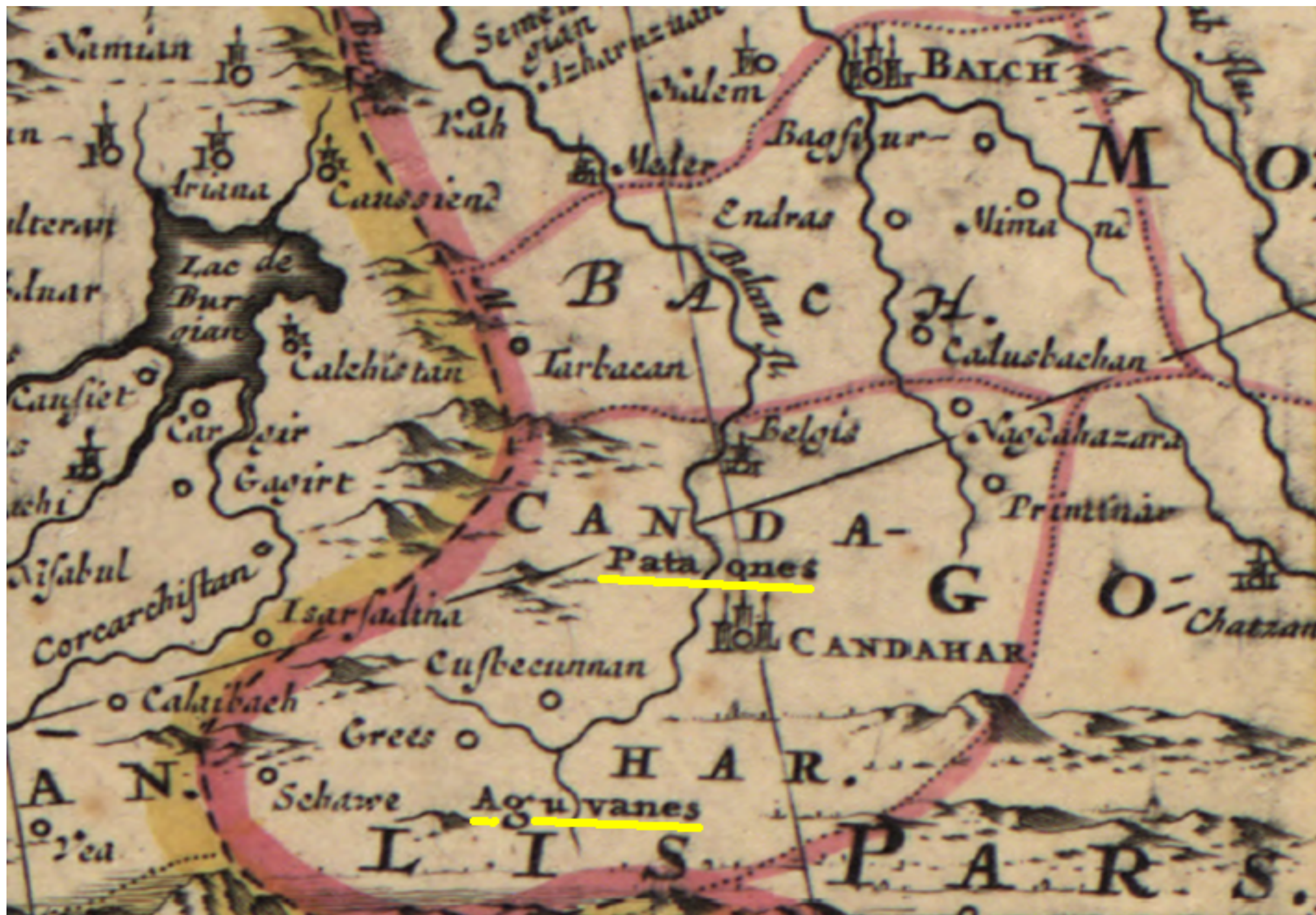
نقشهٔ 2 موقعیت کوههای سلیمان درپاکستان



نقشۀ 3 منطقۀ پتان ها درنقشۀ سال 1600م



نقشهٔ * مناطق پتان ها واغوان ها درنقشهٔ سال 1662م



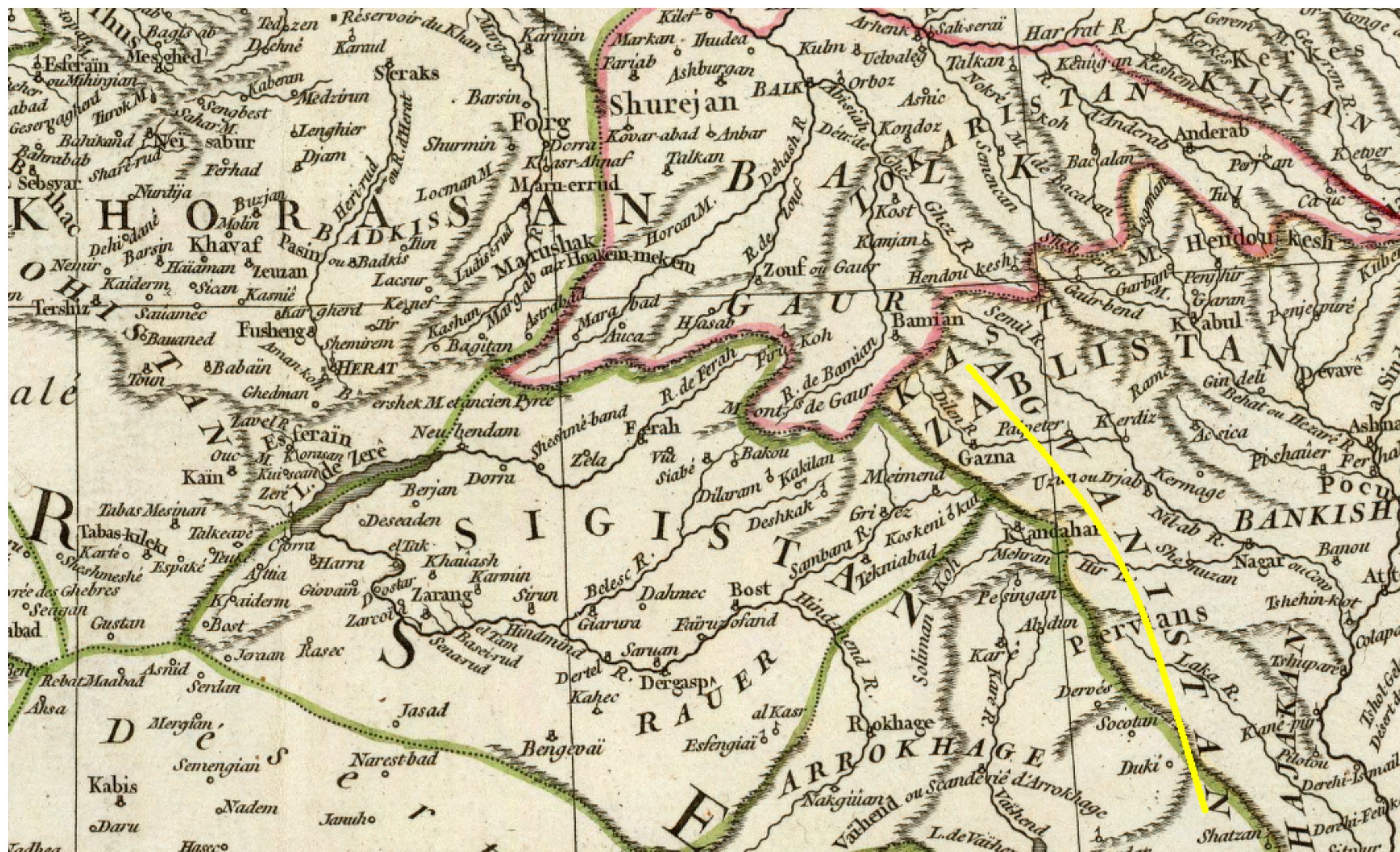
نقشهٔ 5 مناطق پتان ها واوغان ها دراطراف کوههای سلیمان درنقشهٔ سال 1700م



نقشهٔ 6 مناطق اوغان ها، اغوان ها و پتان ها دراطراف کوههای سلیمان درنقشهٔ سال 1724م



نقشهٔ 7 مناطق اغوانستان دراطراف کوههای سلیمان درنقشهٔ سال 1751م



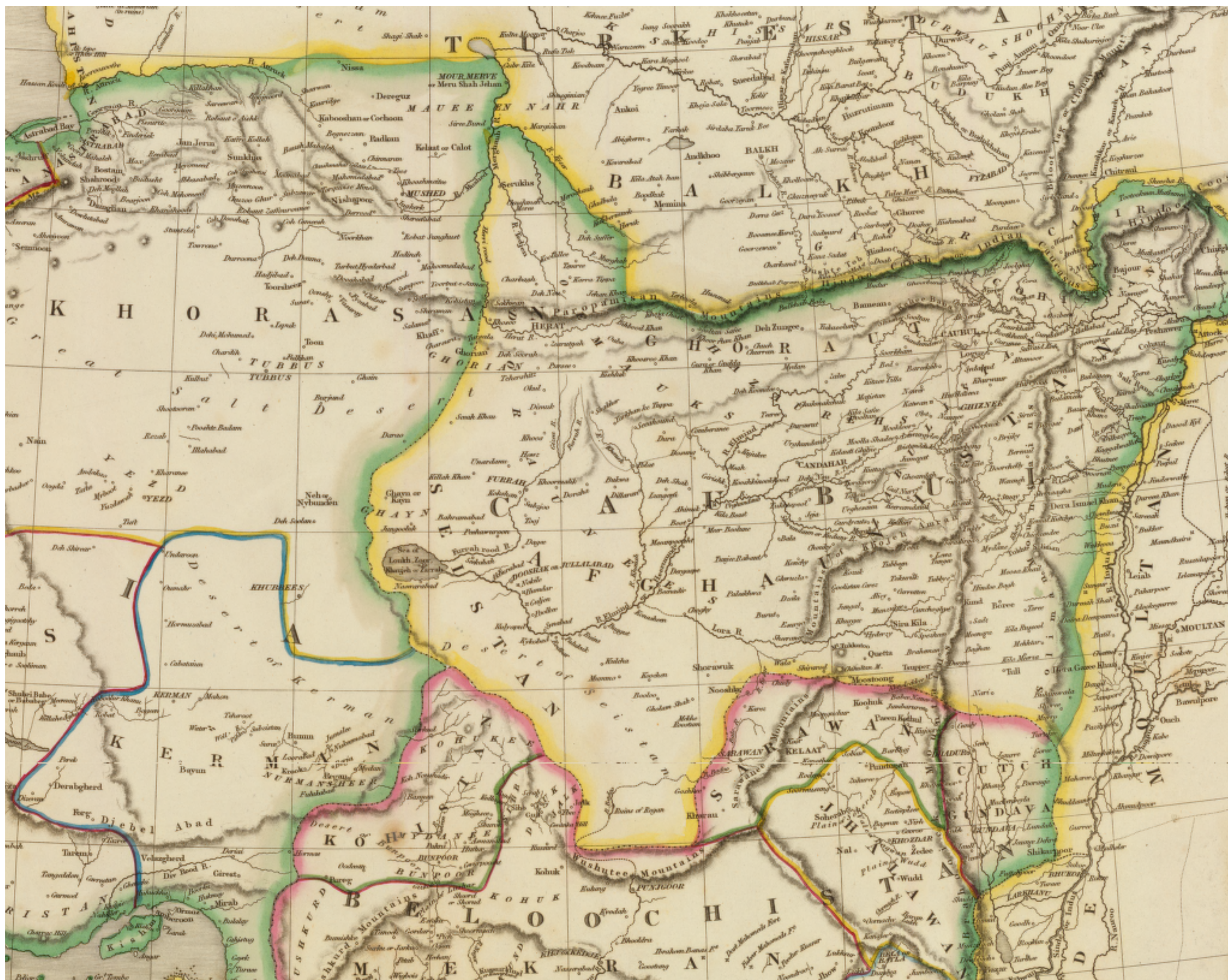
نقشۀ 8 مناطق اغوانستان دراطراف کوههای سلیمان درنقشۀ سال 1799م



نقشه 9 مناطق افغانستان درجنوب دارالسلطنه کابل (اولین) درنقشهٔ سال 1815م



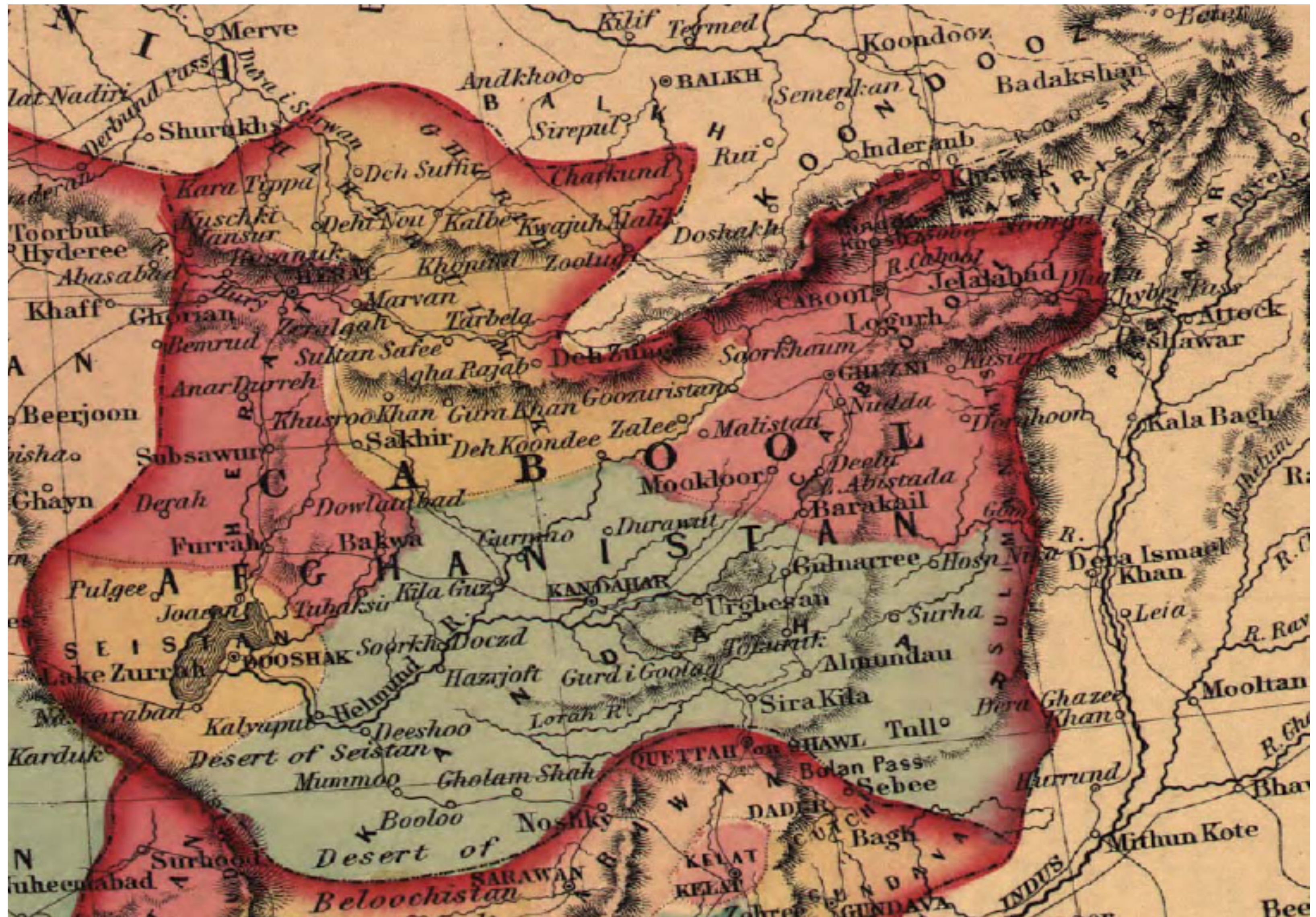
نقشهٔ 10 مناطق افغانستان درجنوب دارالسلطنه کابل درنقشهٔ سال 1828م



نقشهٔ 11 مناطق افغانستان درجنوب دارالسلطنه کابل درنقشهٔ سال 1838م



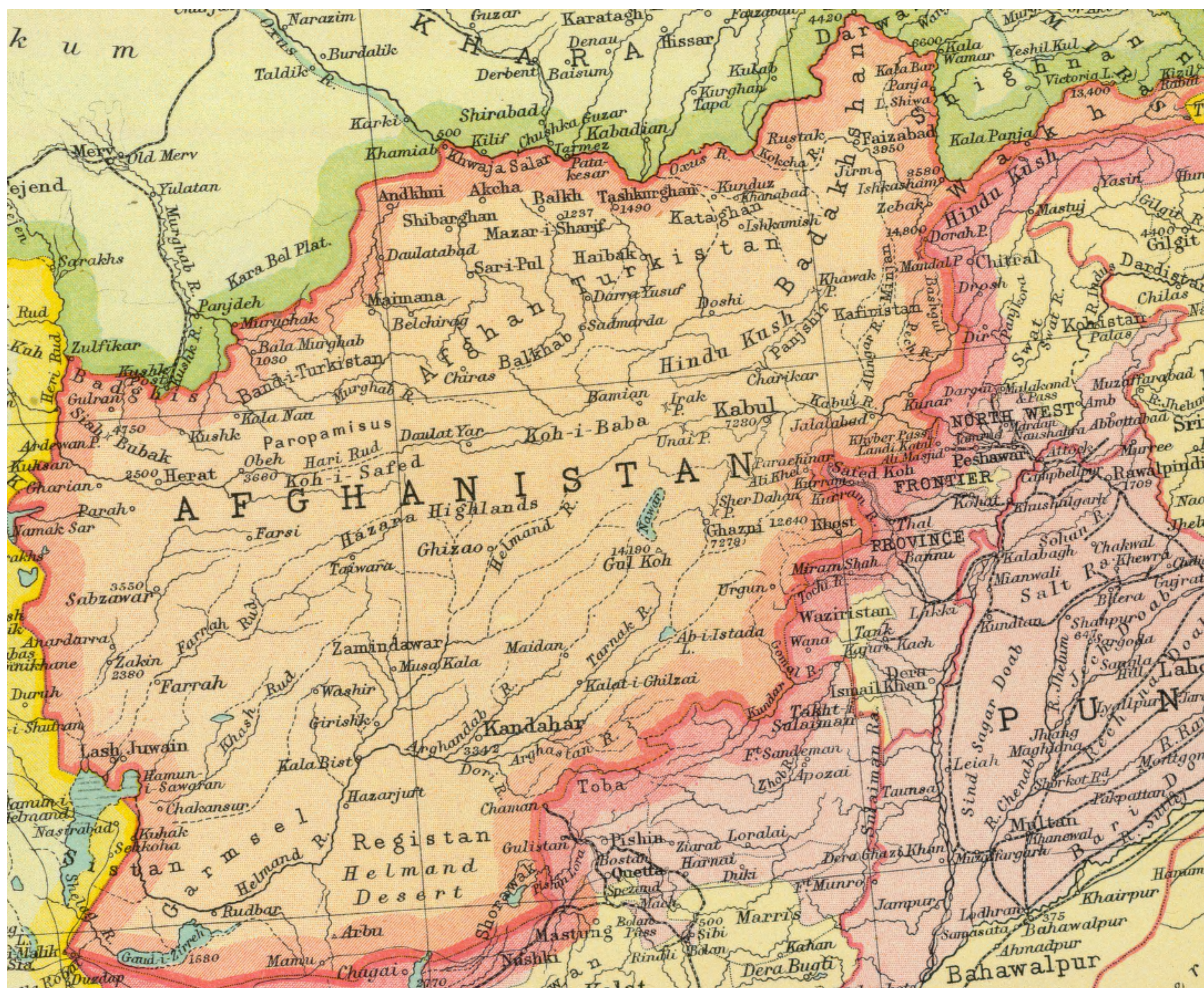
نقشه 12 مناطق افغانستان درجنوب دارالسلطنه کابل درنقشۀ سال 1855م



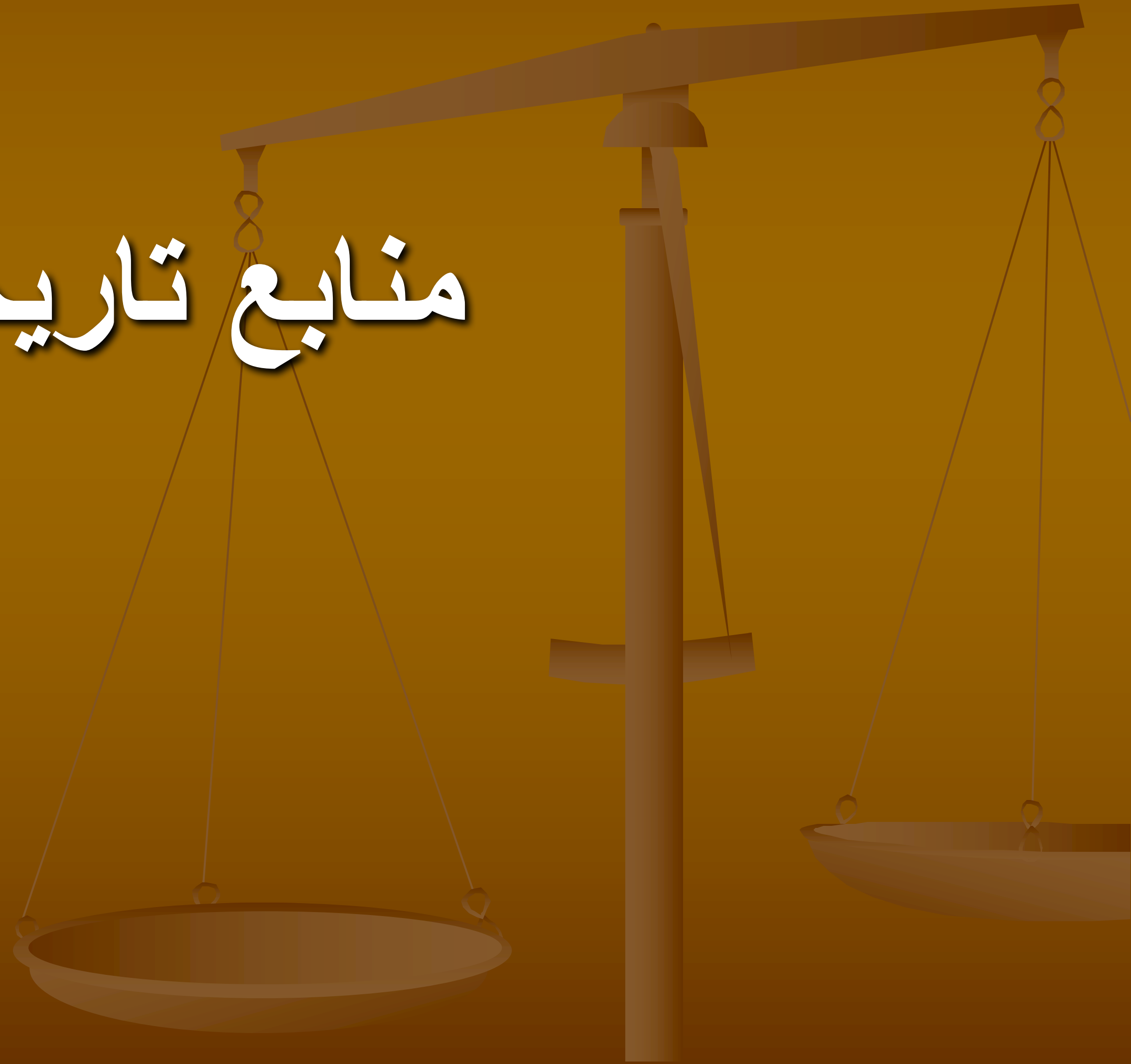
نقشهٔ 13 نام افغانستان بعوض نام کابل درنقشهٔ سال 1860م



نقشهٔ 14 افغانستان پس ازسال 1893م. مستنگ، دوکی وکوههای سلیمان نیزدرپاکستان امروزی دیده میشود.



منابع تاریخی



1. حدودالعالم من المشرق والمغرب – ؟ – 982 م

درفصل سخن اندرناحیت هندوستان وشهرهای وی: "سَول دهی است برکوه، با نعمت. واندراو افغانان اند. وچون ازآنجا بروی تا به حُسینان، راه اندرمیان دوکوه است. واندراین راه، هفتادودو آب بباید گذشتن. و راهی است با مخاطره و بیم“.

”حسینان شهری است گرمسیر، برصحرا نهاده“.

"نینهار، جائی است. پادشاه او مسلمانی نماید و زن بسیاردارد از مسلمانان، واز افغانان وازهندوان بیش ازسی. و دیگرمردم بت پرستند. واندروی سه بت است بزرگ“.

2. شهنامۀ فردوسی – فردوسی طوسی – 1008م

که نزدیک زابل بسه روزه راه   یکی کوه بد سرکشیده بماه

+ + +

نشسته درآن دشت بسیارکوچ   زافغان ولاچین و کرد و بلوچ

+ + +

نژادش زاوغان سپاهش بلوچ   ابردشت خرگاه بگزیده کوچ

+ + +

چه دردژگزیدی بدینسان درنگ   که آمد همه نام اوغان به ننگ

+ + +

همه مرز افغان بهم بر زنم   بدین دژ کین آتش اندر زنم

+ + +

افغان ها یا اوغان ها در شهنامۀ فردوسی سیه چهره، ریش کافور، چشم خون، بد کنش، دزد، راهزن، باژگیر، شوم، نامرد، لافوک وبد نژاد معرفی گردیده اند.

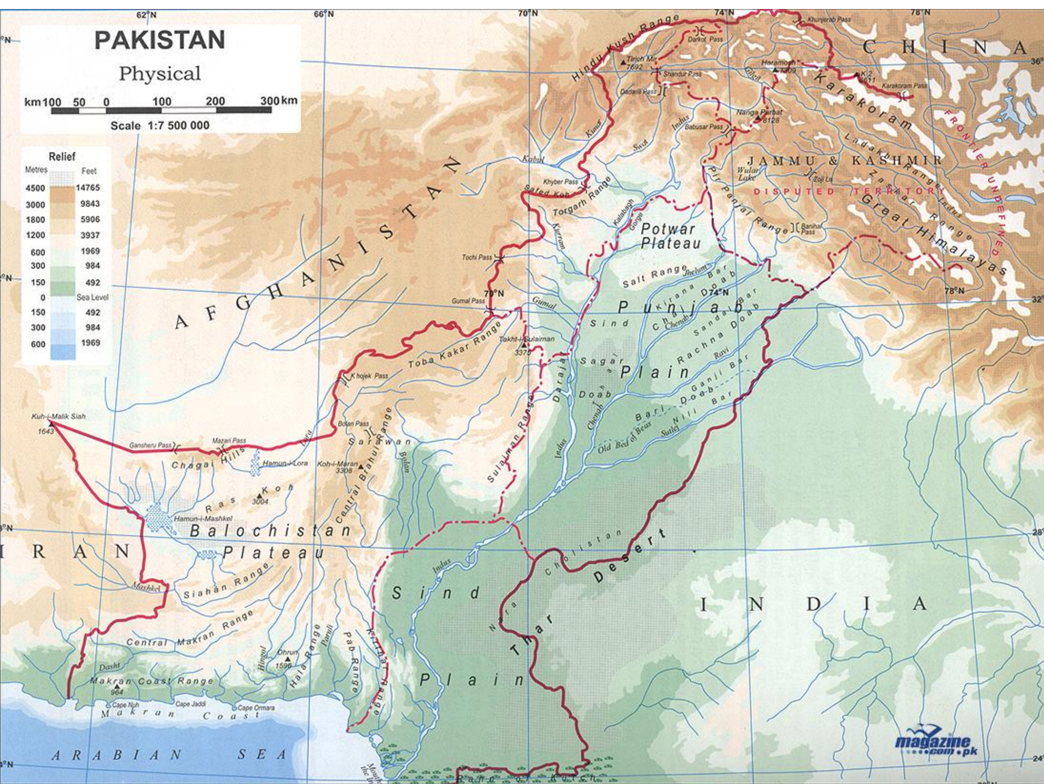
3. التفهيم – البيرونی – 1029 م

واقلیم سوم ازمشرق چین آغازد. واندراو مملکت چینیان است و میانۂ مملکت هندوان وتانیشر وقندهارو زمین سند وشهرهای مولتان وبهاتیه وکرورکوههای افغانان تا زاولستان ووالشتان {بست و قصدار وزمین داور وکیکانان} وسیستان و کرمان وپارس وسپاهان واهوازو بصره و کوفه وعراق وشهرهای جزیره وشام و فلسطین وبیت المقدس وقلزم و زمین مصرواسکندریه وشهرهای برقه و افریقیه و قبیله های بربریان اندرزمین مغرب وتا هرت و سوس و شهرهای طنجه و بدریای محیط رسد.

4. تحقیق مااللهند – البیرونی – 1030 م

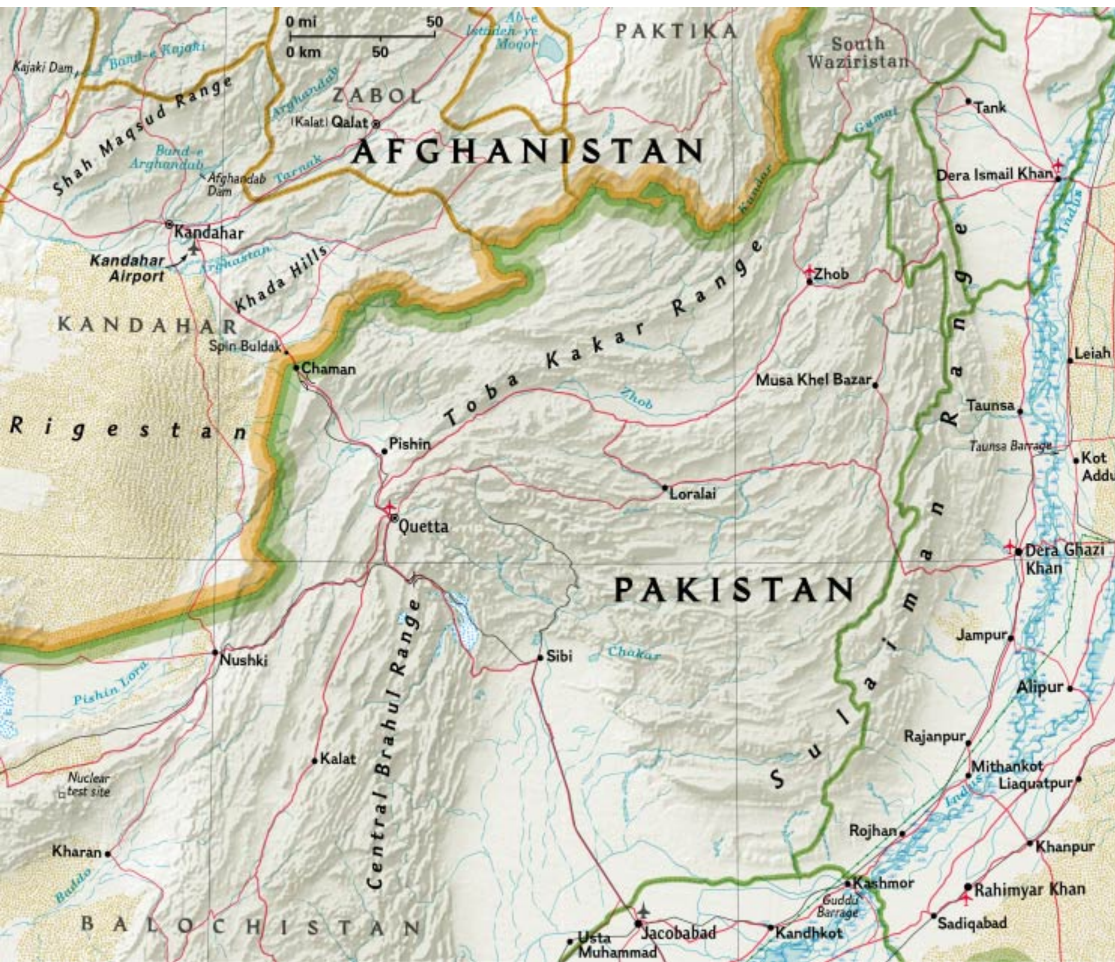
درکوههای مرزغربی هند تا وادی سند، قبیله های متعدد افغان زندگی میکند.

قلعه لاهور... به سه فرسنگ از آن، ولايت راجاوري است ... و اين است حد هند از شمال و بركوههاي باختر آن، كه اصناف فرق افغان ساكنند تا برسد به حوالي زمين سند.



5. الصيدنة فى الطب – البيرونى – 1030 م

درکوهاي افغانان نوعي از زيتون کوهي است که اهل آن موضع آنرا در روغن اندازند و خورند.



6. تاریخ یمینی – عتبی – 1036 م

ترجمه تاریخ یمینی – توسط ابوالمشرف ناصح - 1214م
جامع التواریخ (تاریخ سامانیان وبویهیان وغزنویان) – فضل الله همدانی – 1317م

درفصل فتح قصدار: "... جماعت افغانیان و خلج که صحرا نشینان آن بقاع بودند، در جمله حشم ناصر الديني منحصر شدند..."

درفصل گذشتن ایلک خان ازجیحون: " ... وازاصناف ترک و خلج و هندو وافغانی وحشم اُغوز لشکری فراوان جمع کرد ..."

درفصل واقعه ناردین: "...سلطان برسرسریت وغورمکیدت وخدیعت اووقوف یافت که ازآن اهمال میخواهد ...وازمقاتلت روی بتابند. رجالۀ دیلم و عفاریت افغانیان را برایشان آغالید، تانشیب وفراز و پس و پیش ایشان فراگرفتند..."

درفصل افغانیان: "سلطان ازبهردفع افغانیان که مصاعد قلال ومعاقل جبال وطن ساخته بودند و بوقت معاودت ازغز و قنوج دست تطاول به اذیال حاشیت او یازیده، مشغول شد تا تاختنی کند ومادۀ فتنۀ آن قوم منقطع گرداند، به آوازۀ جائی دیگرازغزنه بیرون آمد."

7. تاریخ گردیزی – عبدالحی گردیزی – 1050 م

چون امیر(مسعود) به هُپیان (یا پروان) رسید، آنجا مقام کرد وامیر مجدود را با دوهزارسوارسوی ملتان فرستاد وامیرایزیدیاررا سوی کوهپایهٔ غزنین فرستاد که آنجا افغانان وعاصیان بودند وگفت: آن ولایت نگهدار تاخللی نباشد ...

8. تاریخ سیستان - ؟ - 1054 م

ذکری ازافغان وافاغنه ندارد.

9. تاریخ بیهقی – ابوالفضل بیهقی – 1080 م

محلهٔ درشهرغزنی را بنام "افغان شال" یاد میکند که آرامگاه سبکتگین پدرمحمود غزنوی درآنجا قرارداشت.

10. فارسنامه – ابن بلخی – 1116م

ذکری ازافغان وافاغنه ندارد.

11. مجمل التواریخ – ؟ – 1126م

ذکری ازافغان وافاغنه ندارد.

12. فضایل بلخ – واعظ بلخی – 1219م

ذکری ازافغان وافاغنه ندارد.

13. تاریخ جهانگشای جوینی – الجوینی – 1260 م

عقوبت وشکنجه آغازنهادند و خلجان غزنوی و افغانیان که به حشر رانده بودند دست به عقوبت ومثله که مثل آن کس ندیده بود بگشادند؛ بعضی را برآتش مینهادند وبعضی را به شکنجۀ دیگرمی کشت وبر هیچ آفریده ابقا نمیکرد. تا چهل روزبرین نمط بگذاشتند و بگذشتند ...

14. طبقات ناصری – منهاج سراج جوزجانی – 1260 م

انصارحق بحکم آن فرمان بهمه بلندی ومضایق لورها عمیق دررفتند، وسرو برده بدست آوردند، خصوصا جماعت افغانان که هریک ازایشان گوئی زنده فیلی است {با} دوغژگاو {و} برکتف نهاده ویا برجی است برباره برای هیبت برفرازاو بیرق کشاده...

15. تاریخنامۀ هرات – سیفی هروی – 1321 م

نخستین اثری است که واژه افغانستان در12 فصل راجع بوقایع **ولایت افغانستان** دارد: کلمه افغانستان بیش از 40 بار ذکرشده با مرکز(652 مستنگ) وشهرهای آن (653 تیری، کهیرا، 654 دوکی، 655 کنکان ونهران وساجی و757 بکر) ازجملۀ ولایات هرات بوده است.

"بسال 650 قمری... پادشاه منکو خان فرمود ... ملک شمس الدین کرت را که از دودمان بزرگواریست ... به مَلِکی شهرهرات و توابع اوچون جام و باخزر و کوسویه و خره و فوشنج وآزاب وتولک وغور و فیروزکوه و غرجستان و مرغاب و فاریاب و مرجق تا آب آموی واسفزار{سبزوار} وفراه وسجستان وتکین آباد {کندهار} وکابل و تیرا وبُستستان وافغانستان تا شط سند وحدودهند فرستادیم وزمام حل وعقد وقبض وبسط این ولایات مذکوره را درکف کفایت و ید اهتمام او نهادیم“

"افغانان بیباک، شبرو، دزد، خونی، فتنه انگیز، بیوفا وغدارمیباشد.“

نقشه 15موقعیت بعضی شهرهای ولایت افغانستان مطابق تاریخنامهٔ هرات درنقشهٔ سال 1842م: تیری، مستنگ، دوکی، بکر، کهیرا (کلهوری؟) و ...



16. سفرنامۀ ابن بطوطه – ابن بطوطه – 1354 م

خوارزم – بخارا – سمرقند – ترمذ – بلخ - ... – کندز (40 روز) – بغلان –اندراب - هندوکش – پنجهیر – بشای – پروان – چرخ – غزنه:

”درخارج غزنه قریۀ بود که ما درپای قلعۀ آن روی نهرآبی منزل کردیم، امیرآنجا بنام مزدک آغا ما را اکرام فرمود وازآنجا بکابل رفتیم.

کابل (؟) درگذشته شهربزرگی بوده و اکنون قریۀ ازآن باقیمانده که طائفۀ ازعجم که افغان نامیده می شوند درآن سکونت دارند، افغانان درکوهستانها مواضع مستحکمی دارند، مردمی بسیارقوی هستند وبیشتربراهزنی میپردازند. کوه بزرگی درآنجا بنام کوه سلیمان وجود دارد ... پادشاه {مِلِک} افغان دراین محل ساکن میباشد.

درکابل (؟) زاویۀ هست بنام شیخ اسماعیل افغانی که شاگرد یکی ازبزرگان اولیا بنام شیخ عباس بوده است. ازکابل (؟) بکرماش رفتیم که قلعۀ است بین دوکوه و افغان ها درآنجا براهزنی می پردازند. این ناحیه را با جنگ وگریزطی کردیم. افغان ها دردامنۀ کوه بودند و عدۀ ما زیاد بود...

روزدیگرشامگاهان خودرا بقافله رسانیدیم ودر ششنغارکه آخرین آبادی ترکها است منزل کردیم. از آن پس وارد صحرای بزرگی شدیم که پانزده روز راه طول آنست... وسرانجام بسلامت با رفقای خود به پنجاب رسیدیم... درسال 1333م بدرۀ سند معروف بپنجاب رسیدیم...“

17. تاریخ فیروزشاهی – شمس بن سراج – 1388 م

* سلطنت کابل وزابلستان ...

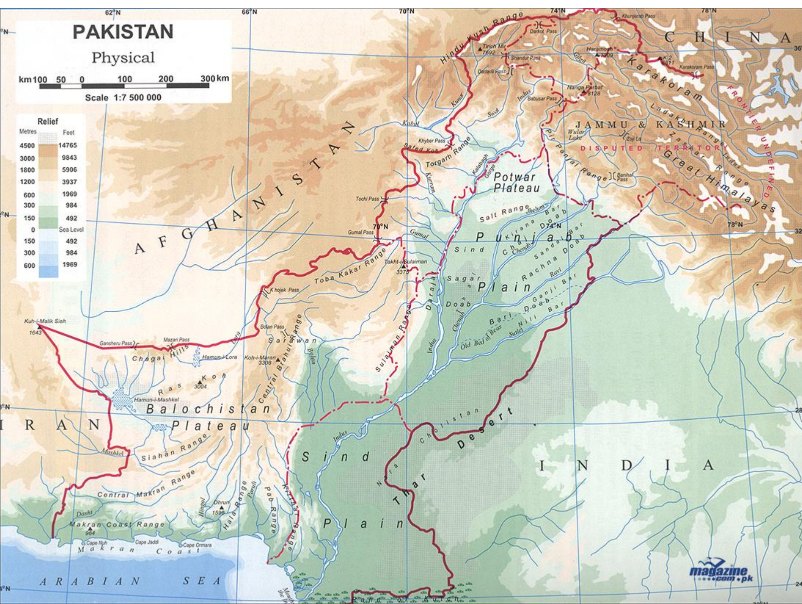
* واژه افغان وجود دارد ولی واژه افغانستان درآن بکارنرفته است ...

18. زبدة التواریخ – حافظ آبرو – 1426 م

بعد ازآن ولایت قندهار و کابل و غزنین تا کنارآب سند و افغانستان که در زمان حیات حضرت امیرصاحب قران...

بعد ازآنکه حضرت سلطنت شعاری ممالک قندهار وافغانستان تا حدود هندوستان به امیرزاده قیدو بهادرارزانی فرمود...

تمام ممالک بلاد کابل وغزنین و قندهار و افغانستان را با اعمال سند و هند به تصرف نواب دیوان او باز گذاشت ...



19. مطلع سعدین – عبدالرزاق سمرقندی هروی – 1452 م

ذکرتوجه امیرتیمورکورگان به سیستان، قندهار و افغانستان ...

موکب همایون ازجیحون عبورنموده ولایت قندهار و کابل وغزنین تا کنار سند و افغانستان که درزمان حضرت صاحبقران ...

تمام ولایات کابل و غزنین و قندهار و افغانستان با اعمال هند و سند که تعلق به میرزا قیدو داشت ...

20. روضات الجنات – معین الدین اسفزاری – 1493 م

امرا گفتند که اسفزار و فراه و سجستان تا حدود افغانستان از توابع هرات است ...

21. روضة الصفا – خاوند شاه بلخی – 1498 م

امیرمبارز الدین برای مطیع ساختن قبایل اوغانی و جرمائی ... روی بایشان نهاد. امرای اوغانی و جرمائی درقلعۀ سلیمان ... متحصن شدند... امیرمبارزالدین سر انجام اوغانیان و جرماییان را مطیع کرد ...

شاهرخ حکومت بلخ را به پسرش میرزا قیدو سپرد و قندهار و بلاد سند را براو مسلم داشت. قیدو پس ازچندی اظهار تمرد کرد...شاهرخ اورا درقلعۀ اختیارالدین محبوس کرد وتمام ولایات او را از کابل وغزنین و قندهار و افغانستان به فرزند خود سیورغتمش داد ...



22. تاریخ حبیب السیر – خواندامیر – 1523 م

کشمیرولایتی است دروسط اقلیم چهارم وعرصه آن ملک طولانی افتاده وازجمیع جوانب محفوفست بجبال بلند کوه جنوبیش بجانب دهلی و بعضی دیگرازبلاد هند اتصال دارد وکوه شمالی بطرف بدخشان ومواضع خراسان و جبل غربیش پیوسته بمنازلیست که محل توطن اقوام اوغان میباشد وشرقیش منتهی میشود بمبادی اراضی ولایت تبت ...

23. بابرنامه (متن انگلیسی) – بابر – 1530م

ولایت کابل ازاقلیم چهارم است درمیان معموره واقع شده، شرق آن لمقانات و پرشاوروکاشغروبعضی ازولایات هند است. غربی آن کهستان است. کرنور و غوردر آن کوهستانهاست. شمالی اوولایت قندوذ واندراب است. کوه هندوکش درمیان است، جنوبی آن فرمل، تغز و بنو و افغانستان است.

24. اکبرنامه – شیخ ابوالفضل مبارک – 1602 م

... و زمانی دراز از اوباش افاغنه و بد معاشی خود متوهم شده در قلعه گوالیار به سرمیبرد ...

25. تاریخ فرشته – فرشته – 1615 م

آخرین اثری که نام افغانستان درآن بکاررفته:

القصه مسلمانان افغان ... چون اولاد ایشان بسیارشد ازکوهستان برآمده مواضع معموره هندوستان را مثل کرناج و پیشاور و شنوران متصرف گردیدند وراجه لاهور که با راجه اجمیرخویشی داشت قصد دفع فتنه ایشان نموده یکی ازامرای خود را با 2000 سوارو5000 پیاده درنهایت استعداد برسر افغانان سرکش گسیل نمود. دراین دفعه خلج و غور ومردم کابل که به حیله اسلام مزین بودند امداد ایشان برذمه همت خود فرض شمرده 4000 کس به مدد آمدند ... ودرمدت 5 ماه 70 جنگ با کفار کرده ودر اکثرمحاربات غالب شدند ...

مردم کابل وخلج به جا ومقام خود رفته، هرکه ازایشان میپرسید که احوال مسلمانان کوهستان بکجا رسید وچه صورت پیدا کرد؟ ایشان جواب میدادند که کوهستان مگوئید، افغانستان بگوئید که جز افغان وغوغا درآنجا چیزی دیگری نیست. ظاهرا بدین سبب مردم به زبان خود امکنه ایشان را افغانستان و وجود ایشان را افغان میخوانند ...

26. جهانگشای نادری – مهدیخان استرآبادی – 1747 م

در868 صفحه: پُر از واژه های افغان و افاغنه است ...

اما نامی از افغانستان وجود ندارد ...

27. تاریخ احمدشاهی – محمودالحسینی – 1773 م

منشی احمدشاه ابدالی این کتاب را طی 25 سال سلطنت او(در746 صفحه) نوشته است:

درتمام کتاب حتی واژه "افغانستان" وجود ندارد (ولی ازقول او میگوید که آرزو دارد روزی پادشاه تمام خراسان شود) ...

پُرازواژه های افغان، افاغنه، خراسان و ایران است ...

احمدشاه را "شاه دُردُران" و از "ایل جلیل افغان" میخواند ...

کندهار را "دارالقرار" و کابل و هرات را "دارالسلطنه" میخواند ...

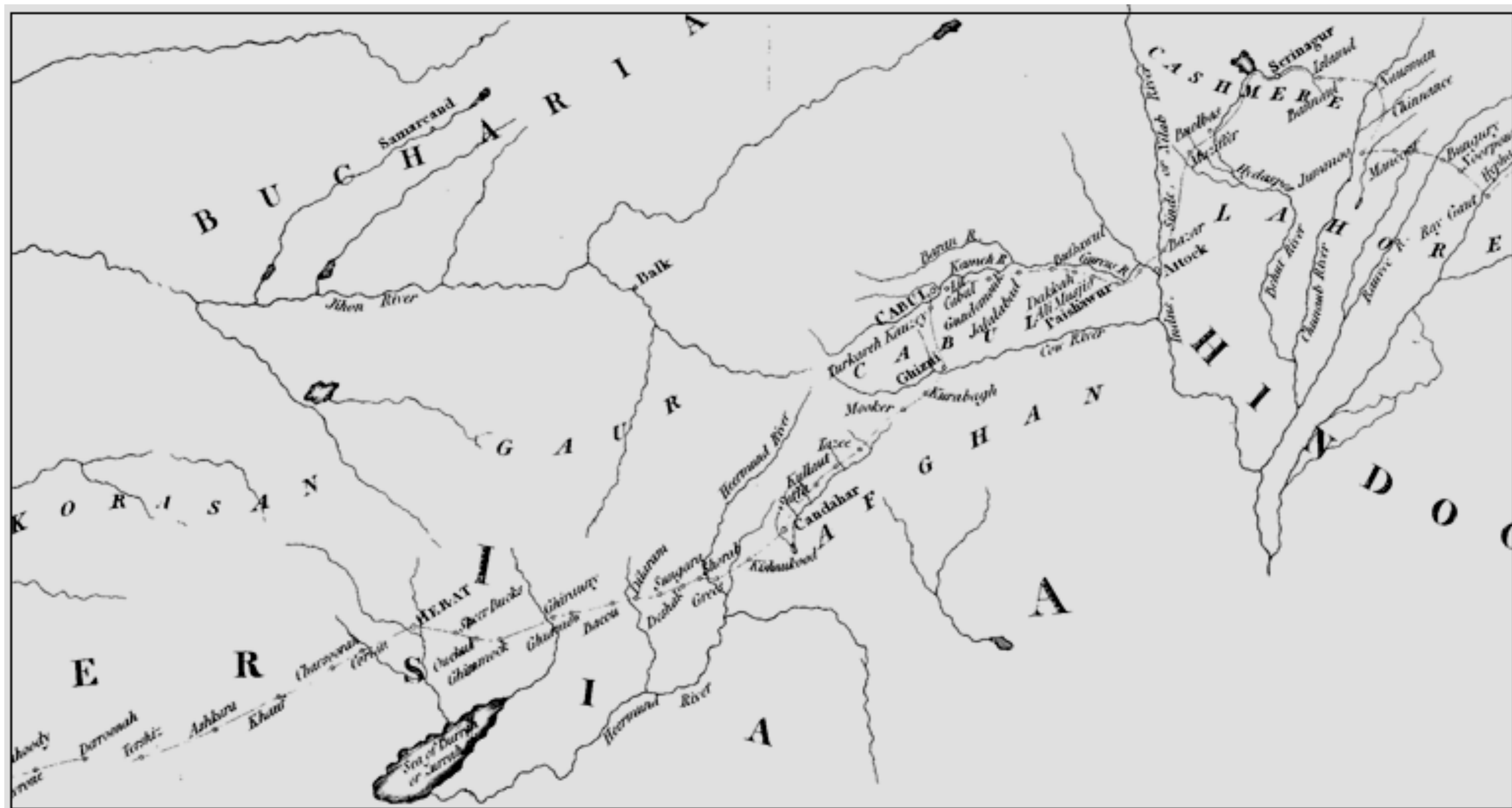
28. سفری ازبنگال تا انگلستان ازطریق شمال هند، کشمیر، افغانستان، فارس و روسیه (متن انگلیسی) – جورج فوستر – 1798 م

درسال 1783(زمان تیمورشاه) ازشهرهای پشاور، جلال آباد، کابل، غزنه، کندهاروهرات عبورمیکند. از"افغانستان" نام میبرد ولی حدود آنرا ذکرنمیکند.

* مناطق کشمیر، پشاور، کابل، کندهار وهرات را مربوط "حکومت افغان" میخواند.

* کابل را "پایتخت امپراطوری افغان" و بلخ را پایتخت ازبیکهای ترکستان میگوید.

نقشه 16مناطق "افغان" درنقشه فورستردر 1798 میلادی



29. گذارش سلطنت کابل و ملحقات آن درفارس، ترکستان و هند (افغانان) – الفنستون – 1815 م

کابل را شامل "افغانستان و سیستان، بخشی ازخراسان و مکران، بلخ با ترکستان و کیلان، کتور، کابل، کندهار، سند، کشمیر با بخشی از لاهور و ملتان" میداند.

"افغانها نام عمومی برای کشور شان ندارند... لذا من این نام {افغانستان} را براین کشورمیگذارم ... نامی که توسط ساکنان این سرزمین برتمام کشور اطلاق میشود خراسان است".

ازاینجا نیزمیتوان استنباط کرد که افغانستان آنروزی، هنوزمناطقی است جدا از سیستان، کندهار و کابل یا همان اطراف کوه های سلیمان (درتطابق با موقعیت تاریخی آن درسده های قبلی) در پاکستان امروزی ...

ساحه افغانستان در"دارالسلطنهٔ کابل" درنقشه الفنستون در 1815 میلادی



30. بستان السیاحه – زین العابدین شیروانی – 1820م

کتاب بزرگی است در673 صفحه: ... فقیرچند سال با آنجماعت مجالست کرده وایام بسیاربا ایشان بسربرده ...

فصلی دارد درذکرافغانان، طوایف و سلطنت ایشان؛ اما درتمام کتاب ذکری از افغانستان وجود ندارد.

31. نژادهای افغانستان – بیلیو – 1880 م

مردمان مختلف باشندۀ افغانستان را بشکل نادرستی"افغان" میگویند. آنچه بنام قوم افغان گفته میشود ترکیب غیرمتجانس واقوام مختلفی است که بطور ضعیفی یکجا ساخته شده و آنهم تازمانیکه یکی ازآنها بکمک و پشتیبانی یک قدرت خارجی در موقعیت قوم حاکم نگهداشته شود.

در جریان حدود 130 سال گذشته، این موقعیت مسلط دراختیارقوم افغان بوده؛ نام قوم مخلوط "افغان" وکشور"افغانستان" ازهمینجا ناشی شده است.

32. جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی – گای لیسترینج – 1905م

...ابن بطوطه که کابل (؟) را یکقرن بعد ازقزوینی دیده است گوید که کابل (؟) دردرزمان گذشته شهری بزرگ بوده واکنون فقط بصورت دهکده ایست که یک قبیله ایرانی {عجم} معروف به افغان درآنجا زندگی میکنند.

سراج التواريخ – کاتب، فیض محمد هزاره - 1912م

* امیرحبیب الله پادشاه خود مختار افغانستان و ترکستان متعلقهٔ آن ...

33. ساختار اقتصادی افغانستان – پولیاک – 1950؟

* مسکن اصلی افغان ها را دامنه های کوه های سلیمان میداند.

* رشد نفوس، جستجوی چراگاه، اجیرشدن و همدستی با اشغالگران راعلل اساسی سرازیرشدن این قبایل ازکوههای سلیمان و"اشغال" سرزمینهای خراسان میخواند که با تشکیل حاکمیت قبیلوی آنها درقرن هجدهم، این پروسه تشدید میگردد و تا امروزادامه دارد ...

معاهدات و قراردادها



معاهدات و اسناد مهم درآرشیف مربوط به افغانستان از 1809 تا 1930م

* معاهده ... با شاه شجاع "شاه کابل" در17 جون 1809

* یادداشت ... با یارمحمدخان وزیرکامران "شاه هرات" در9 جون 1839
* معاهده ... با شاه کامران "شاه هرات" در13 اگست 1839

+ + +

* معاهده ...با امیردوست محمدخان "والی کابل وممالک افغانستان" در30 مارچ 1855
* قرارداد با امیردوست محمدخان "حاکم کابل وممالک افغانستان" در26 جنوری 1857

+ + +

* معاهده گندمک با امیرمحمد یعقوب خان "امیرافغانستان وملحقات آن" در26 می 1879

* قرارداد با امیرعبدالرحمن خان "امیرافغانستان وملحقات آن" شمال اکسوس در 12 نومبر 1893
* قرارداد با امیرعبدالرحمن خان "امیرافغانستان وملحقات آن" در12نومبر1893{درباره خط دیورند}

* معاهده با امیرحبیب الله خان "امیرافغانستان وملحقات آن" در21 مارچ 1905 {تائید خط دیورند}

+ + +

* معاهده صلح درراولپندی با امان الله "شاه افغانستان" در 8 اگست 1919 {تائید خط دیورند}

* معاهده درباره روابط دوستی وتجارت با "امان الله" در22 نومبر 1921 {تائید خط دیورند}

* تبادل یادداشت با وزیرافغان درلندن با "نادرشاه" در6 می 1930 {تائید خط دیورند}

آرشیف پنجاب

* معاهده حکومت برتانیه با رنجیت سنگ (وشجاع الملک **شاه مخلوع کابل**) در لاهوردر26 جون 1838.

نام افغانستان برای اولین بار درهمین معاهده ذکر گردیده که میتوان آنرا نخستین صورت رسمی این نام درمعاهدات خارجی خواند (اطراف کوههای سلیمان).



نوت

درمعاهدات حکومت برتانیه و شاه فارس درسالهای 1801 و1809، کلمات "شاه افغان" و"افغانها" بکار برده شده وکلمۀ افغانستان وجود ندارد ...

نتیجه گیری



باساس نقشه های جغرافیائی:

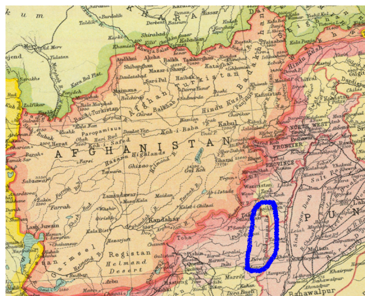
* مناطقی بنام "پتان"، "اغوان" و "اوغان" درنقشه های سالهای 1600 – 1724 م دراطراف کوههای سلیمان درهند دیروزی قراردارند ...

* همین مناطق (اطراف کوههای سلیمان) درنقشه های سالهای 1751 – 1799 م بنام "اغوانستان" یاد شده اند ...

* نام "افغانستان" درنقشه های سالهای 1815 – 1855م به ساحهٔ بزرگتری در جنوب مملکتی بنام "کابل" نشان داده شده است ...

* نام افغانستان درنقشه های سالهای 1860م جانشین کابل شده که شمال هندوکش شامل آن نیست ...

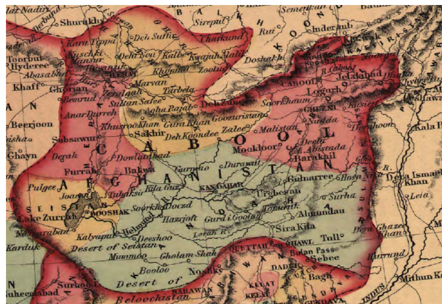
* این نام درنقشه های پس از1893م (ایجاد مرزهای مشخص) شامل تمام قلمروی افغانستان امروزی شده است.



1893

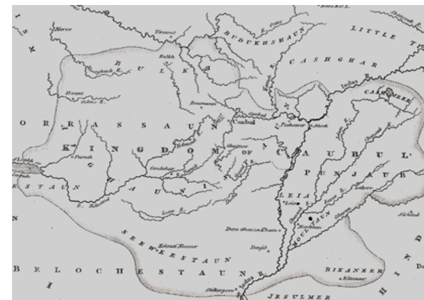


1860



1855


1828


1815



1799



1751



1724



1700



1662

باساس معاهدات با انگلیسها:

* شجاع الملک درمعاهدهٔ 1809 ”شاه کابل“ خوانده میشود ...

* کامران درمعاهدهٔ 1839 ”شاه هرات“ خوانده میشود ...

* دوست محمد در معاهدهٔ 1855 ”والی کابل وممالک افغانستان“ ودرقرارداد 1857 ”حاکم کابل و ممالک افغانستان“ خوانده میشود ...

* برای اولین باردر معاهده گندمک در سال 1879، محمد یعقوب خان بنام ”امیرافغانستان و ملحقات آن“ نامیده میشود ...

* این نام ”امیرافغانستان وملحقات آن“ درمعاهدات بعدی با امیرعبدالرحمن (1893م) وامیرحبیب الله (1905م) تکرار میگردد ...

* فقط درزمان امیرامان الله است (1919م) که کلمهٔ "ملحقات آن" و"امیر” حذف گردیده وامان الله بحیث ”شاه افغانستان“ خوانده شده وبااینترتیب ”افغانستان“ (بدون تصویب هیچ مرجعی) بحیث نام رسمی کشورباقی مانده است ...

باساس منابع تاریخی:

* "افغان"، "افغانی"، "افغانان"، "افغانیان"، "افاغنه"، "اوغان"، "اوغانی"، "اوغانیان" با سابقه 1000 ساله - نام قومی بوده است دراطراف کوههای سلیمان در پاکستان امروزی ...

* "افغانستان" و "اوغانستان" با سابقه 700 ساله - ولایتی بوده است جدا ازکابل، غزنین، کندهار و سیستان تا رود سند. یعنی اطراف کوههای سلیمان درپاکستان امروزی ...

* حتی دراثرمشهور"تاریخ احمدشاهی" دوران سلطنت 25 ساله او (تا 1773م) واژهٔ بنام "افغانستان" وجود ندارد و همه جا سخن ازخراسان و ایران است ...

* حتی درمُهرمحمد افضل در1867م "امیرخراسان" درج است ...

* **هیچیک اززمامداران این قلمرو تا عبدالرحمن (1880م)، خود را امیریا شاه افغانستان نگفته اند ...**

* "افغان" بدنام ترین واژه دراوراق تاریخ سرزمینی است بنام "افغانستان" که موقعیت اصلی آن درپاکستان امروزی قرار دارد ...

* امروزتلاش میشود این دو نام درسرزمین های اشغالی برمردمانی تحمیل گردد که درطول قرنها، خود را "خراسانی" میگفتند وسرزمین خود را "خراسان" می نامیدند ...



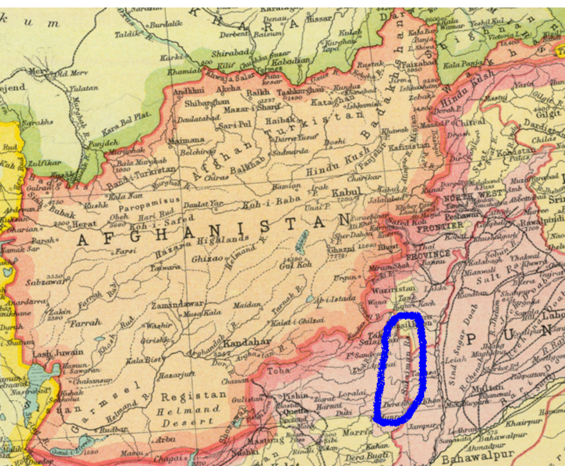
تمام منابع نشان میدهند که:

* افغان یا اوغان با سابقهٔ 1000 ساله نام قوم یا منطقهٔ بوده است دراطراف کوههای سلیمان در پاکستان امروزی...

* **افغانستان یا اوغانستان بحیث یک منطقهٔ جغرافیائی** با سابقهٔ 700 ساله نام **ولایتی** بوده است دراطراف کوههای سلیمان درپاکستان امروزی ...

* **افغانستان بحیث یک کشور** در زمان **عبدالرحمن – امان الله** بوجود آمده است ...

* قبل از1893م، **کشوری** باین نام (درتاریخ) وباین شکل (درجغرافیه) وجود ندارد (تاریخ افراد و خانواده ها با جغرافیای متفاوت که مربوط همهٔ کشورهای همسایه است) ...



* افغان نام افتخارآمیزی نیست (دراوراق تاریخ به صفات بد و زشتی یاد شده است) ...

پیروز باشید

